

تربیت فرزندان از منظر قرآن و حدیث

شفیقه رأفت^۱

نجیه قائمی^۲

چکیده

تعلیم و تربیت فرایندی است که آدمی را برای نحوه خاصی از حیات مهیا می‌سازد. این نحوه زندگی بر مبنای اصول، قواعد و راهبردهای از پیش تعیین شده شکل می‌گیرد که از طریق قرآن و شریعت به آدمی عرضه شده است. تعلیم و تربیت فرزندان از منظر قرآن و احادیث، اهمیت خاصی در نظام آموزشی و تربیتی اسلام دارد. پدران و مادران باید بکوشند این وظیفه بزرگ دینی و تربیتی نسبت به فرزندان خود را انجام دهند. تربیت دینی به معنای آموزش و پرورش دینی است که می‌تواند نقش مهمی را در توسعه یک جامعه دینی و اسلامی ایفا کند. این پژوهش به لزوم و اهمیت تربیت پرداخته و ابعاد مختلف تربیتی و تربیت نوجوان را به استناد قرآن و روایات و شیوه‌های تربیتی مناسب و نقش والدین در تربیت نوجوان دنبال نموده و نقش هر یک را بیان کرده است. همچنین نقش‌های مشترک والدین را مطرح کرده و در آخر شیوه‌های برخورد با نوجوان را برمی‌شمرد که والدین باید چگونه با نوجوان برخورد نمایند و در آن، الگوهای عملی تربیت و جنبه‌های مختلف اقتصادی، دینی و... که چگونه باید در این جنبه‌های مختلف با نوجوانان رفتار کرد و راهکارهای تربیت سالم با به‌کارگیری از آموزه‌های قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام مطرح شده است.

واژگان کلیدی: والدین، تربیت، نوجوان، قرآن، حدیث.

۱. دکتری علوم قرآن و حدیث جامعه المصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم العالمیه خراسان / shafiqe_r@yahoo.com

۲. دانش‌پژوه کارشناسی معارف اسلامی و علوم تربیتی جامعه المصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم العالمیه خراسان

مقدمه

تربیت در سیره معصومین علیهم‌السلام پیش از تولد فرزند آغاز می‌شود و ارکان اساسی تربیت و شکل‌گیری شخصیت آدمی در دوران کودکی او تثبیت می‌گردد، اما این سخن به معنای بی‌توجهی به امر تربیت در دوران جوانی نیست. تربیت در دوران کودکی، نوجوانی و جوانی یک ضرورت است و این از جمله حقوقی است که فرزندان بر والدین دارند، امام علی علیه‌السلام بهترین فرصت را برای تربیت، دوران نوجوانی و جوانی می‌داند و به فرزندشان می‌فرماید: «دل جوان مانند زمینی است که خالی از هر گیاهی است و هر بذری در آن افشاندن شود می‌پذیرد، پس به ادب آموختن پرداختم قبل از آنکه دلت سخت شود و عقلت را مسائل مختلفی اشغال نماید.» (مجلسی، بی‌تا، ج ۱۰۱: ۹۵)

والدین باید راه و روش صحیح زندگی کردن را به فرزندان جوان خود باید بیاموزند چراکه سازگاری و ناسازگاری جوان تا حد زیادی بستگی به نوع و رفتار واکنش والدین دارد. لقمان حکیم با تعبیر لطیف «یابنی»^۱ (لقمان: ۱۶-۱۳)، باکمال محبت با فرزندش سخن می‌گوید.

بدون شک، خانواده کانون پذیرایی از نسل آینده است. در این کانون باید رشد و نمو کرده و درخت انسانیت را به بار نشانند، از این رو هیچ‌یک از نهادهای اجتماعی نقشی را که خانواده در ساختار فکری، روحی و اخلاقی انسان دارد، ایفا نمی‌کند. نابس، امانی‌های اجتماعی در بسیاری موارد ناشی از نابس، امانی در خانواده‌ها است و سعادت یک جامعه بستگی کامل به وجود خانواده‌های سالم و سعادت‌مند دارد. بسیاری از مشکلات اخلاقی و رفتاری نوجوانان ریشه در برخوردهای نامناسب پدران و مادران دارند. نوجوانی که به خانواده آگاه

۱. «أَنَا قَلْبُ الْحَدِيثِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا أُلْقِيَ فِيهَا مِنْ شَيْءٍ فَلَبَنُهُ فَبَادَرَتْكَ بِالْأَدَبِ قَبْلَ أَنْ يَفْسُو قَلْبِكَ وَ يَسْتَعْلُ لُبَّكَ».

۲. «ای پسر جانم».

دسترسی دارد از زندگی سالم و موفق برخوردار است و اگر نابس، امانی‌هایی در اخلاق و رفتار برخی از آنان مشاهده می‌شود ناشی از تربیت ناصحیح است.

۱. بیان مسئله

تربیت مصدر باب تفعیل و از ماده «ربو» و در لغت به معنای «پروردن، پروراندن، پرورش داشتن، ادب و اخلاق به کسی یاد دادن» (راغب اصفهانی، ۱۳۶۳، ماده رب) است و تعلیم عبارت است از: آموزش، پرورش، تربیت، درس، مدرسی، بار آوردن، پروراندن، پروردن، پرورش دادن و تربیت. «تعلیم و تربیت» در اصطلاح عبارت است از فراهم آوردن زمینه‌ها و عوامل به فعلیت رساندن یا شکوفا ساختن شخص در جهت رشد و تکامل اختیاری او به سوی هدف‌های مطلوب و بر اساس برنامه‌ای سنجیده شده. (ندایی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۳۴۱)

مسئله تعلیم و تربیت همواره مورد توجه اولیای دین نیز بوده است و ضمن روایات فراوانی آن را مورد تأکید قرار داده‌اند.

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «بهترین چیزی که پدران برای فرزندان به میراث می‌گذارند، ادب است». ^۱ (تمیمی آمدی، بی تا: ۵۰۳۶)

بدون شک تربیت فرزندان از مهم‌ترین امور است، اما متأسفانه بسیاری از خانواده‌ها به تربیت نوجوانان و جوانان چندان که شایسته است بها نمی‌دهند. چه بسیار مادرانی که در امر آشنیزی کتاب‌ها خوانده‌اند، اما در امر تربیت یک صفحه هم نخوانده‌اند، چرا که گمان می‌کنند تربیت کاری سهل و آسان است و هر کس از عهده آن برمی‌آید. بسیاری از نوجوانان قربانی ناآگاهی و بی‌مسئولیتی والدین خود می‌شوند و غنچه‌های زیبای وجود آنان ناشگفته پژمرده می‌شود. از اینجا می‌توان به نقش حساس خانواده در تربیت فرزند پی برد. بی‌شک خانواده، مهم‌ترین و اصلی‌ترین نهاد تربیتی جامعه است و هرگونه سخنی درباره تربیت کودک و نوجوان، بدون توجه به نقش حیاتی خانواده، سخنی نادرست و ناتمام

۱. «خَيْرُ مَا وَرَثَ الْأَبَاءُ الْأَبْنَاءُ الْأَدَبُ».

قلمداد می‌گردد. یک خانواده سالم خانواده‌ای است که میان اعضای آن یعنی والدین و فرزندان، رابطه انسانی و سالم حاکم است.

اگر والدین به وظیفه بزرگ خود نسبت به این سرمایه‌های عظیم به نحو شایسته عمل نکنند باید برای رویارویی با عواقب تلخ غفلت خویش، آماده باشند. در آموزش‌های دینی نیز مسئولیت پدران و مادران تأکید فراوان شده است و تصریح شده همچنان‌که والدین بر فرزندان حقوقی دارند، فرزندان نیز بر والدین خود حقوقی دارند که از آن‌ها در مورد این حقوق بازخواست می‌شوند.

نوجوانی یکی از حساس‌ترین دوران زندگی به حساب می‌آید، زیرا عوامل زیستی، روانی و اجتماعی در بروز دوره جوانی دخالت دارد. برخی دوره نوجوانی را دوره برزخی بین کودکی و جوانی دانسته‌اند، زیرا دوره کودکی همراه با سکون و آرامش است و چنانچه در دوره جوانی و بزرگسالی نیز فرد به ثبات نسبی دست می‌یابد، درحالی‌که دوره نوجوانی دوره آشوب و جنجال و تحول و دگرگونی است.

اغلب پدران و مادران این مراحل را با دشواری‌ها و مشکلات فراوان پشت سر می‌گذارند. اینجاست که والدین باید با توجه به نقش خویش در تربیت فرزند بکوشند تا افرادی صالح را پرورش دهند و تربیت کنند و با استفاده از مکتب اهل بیت علیهم‌السلام و اسلام فرزندان را تربیت کنند. پس لازم است که تربیت نوجوان با برنامه‌ریزی دقیق انجام گیرد تا ثمر ثمر و موفقیت‌آمیز باشد و این پرورش از همان دوران کودکی که زمان شکل‌گیری شخصیت اخلاقی، اجتماعی و دینی فرزندان است، باید شروع شود به همین دلیل در این پژوهش سعی شده به تربیت نوجوان از دیدگاه قرآن و روایات و نقش والدین در این زمینه پرداخته شود تا اینکه روش‌های مؤثر تربیتی را در نظر داشته و آن‌ها را در تربیت فرزند خویش با استفاده از دستورالعمل‌های اسلامی و تربیتی دینی به کار ببریم و زمینه‌های برچیدن انحراف در نوجوانان را مورد بررسی قرار دهیم.

ضروری است بیش از هر چیز ما والدین امروز و فردای فرزندانمان را بشناسیم و به آنها در زمینه مسئولیت‌هایشان آگاهی‌های لازم را بدهیم. والدین نیاز به اطلاع و آگاهی از مسائل تربیتی و اخلاقی فرزندانمان دارند چرا که از راه تربیت می‌توان به اهداف والای تربیتی رسید. بدون تردید نقش مادر در دوران حساس نوجوانی بسیار مهم و اساسی است و با کمک پدر می‌کوشد به پرورش صحیح نوجوانش اقدام کند و او را به سوی آینده‌ای سالم و روشن هدایت نماید. به دیگر سخن تربیت مادر از دوران کودکی و ادامه آن در دوران نوجوانی و با همکاری پدر می‌تواند بستر مناسبی برای فعالیت‌های فرزندش در عرصه‌های مختلف در آینده باشد.

بنابراین والدین می‌توانند با راهنمایی بجا و با استفاده از روش‌های مؤثر تربیتی با استناد به قرآن و روایات در تربیت صحیح فرزند خویش کوشا بوده و راه حفظ عزت نفس و ایجاد اعتماد به نفس در نوجوانشان را به آنها نشان داده و آنها را به خودشان امیدوار نمایند.

۲. لزوم و جنبه‌های تربیت

در تربیت سعی می‌شود زمینه‌ها و امکاناتی را که در وجود انسان به صورت بالقوه به امانت گذاشته شده است به فعلیت درآورده شود و تلاش‌هایی را باید در این زمینه انجام دهیم که به رشد و سازندگی، شکوفایی استعدادها کمک کند و در سایه آن انسان به کمال مورد نظر اسلام و قرآن برسد. (قائمی، ۱۳۸۲: ۲۶)

تربیت امری مهم و ضروری است این اهمیت از جهات متعددی قابل ذکر است.

۱.۲. جنبه فردی

به لحاظ فردی، می‌توان با تربیت درست کودک فردی صالح و دارای ایمان و اخلاق اسلامی ساخت، زیرا شخصیت انسان غالباً از همان سال‌های اولیه زندگی در محیط خانواده شکل می‌گیرد. گرایش‌ها، نگرش‌ها، افکار، عادات و رفتار انسان از خانه آغاز و با عوامل موجود در محیط تکمیل و تقویت می‌شود. آنچه را کودک از آغوش خانواده دریافت می‌دارد در طول زندگی همراه دارد و

در شرایط گوناگون زندگی، تحت تأثیر آن قرار می‌گیرد. افراد صالح و رهبران دینی عموماً از خانواده‌های پاک و متدین پرورش یافته و ارزش‌های دینی را از آنجا فرا گرفته‌اند. بر این اساس، تربیت دینی از نظر فردی، ارتباط انسان را با خدا محکم می‌کند و زمینه خدمت به اسلام و مردم را در نهاد او فراهم می‌سازد. (همان)

۲.۲. جنبه اجتماعی

تربیت دینی خانواده از نظر اجتماعی نیز آثار قابل توجهی دارد، زیرا جامعه از واحدهای کوچکی به نام «خانواده» تشکیل شده و اگر این واحدها اصلاح گردد مسلماً جامعه اصلاح می‌شود. خانواده‌ها به عنوان هسته اصلی جامعه، در اصلاح و یا افساد آن نقش اساسی دارند، زیرا کودکان امروز که در آغوش خانواده پرورش می‌یابند، مرییان، مجریان و قانونگذاران آینده خواهند بود. اگر نسل امروز با برنامه‌های درست دینی و اخلاقی تربیت یابند، اجتماع آینده به یقین، صالح و تکامل یافته خواهد بود بدین روی، پدران و مادران مسئولیت بزرگی در برابر جامعه دارند و باید در انجام آن سعی و تلاش فراوان نمایند. (امینی، بی تا، ۱۳: ۱۲) تربیت، سازنده افراد اجتماع است و مردم در سایه آن عادات و اخلاق خود را می‌سازند و به رشد و توسعه علمی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی دست می‌یابند و تربیت خوب، رهبری یک جامعه را می‌سازد و برای بشریت خیر و صلاح و رفاه پدید می‌آورد. اگر در جامعه‌ای فساد است آلودگی و اعتیاد و... است دلیل آن این است که نظام تربیتی آن غلط است. (قائمی، ۱۳۸۲: ۲۷)

بنابراین تربیت، تنها نشانند یک سری آگاهی‌ها، اعتقادات، اخلاقیات و رفتارها در جان و فکر و عمل آدمی و تنها شکوفا کردن استعدادها نیست، بلکه به‌کارگیری استعدادها شکوفا شده در جهت حق و خداوند و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و معصومین علیهم السلام است. (ندایی، همان: ۱۶۶)

قرآن کریم می‌فرماید:

- ﴿الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمَلًا﴾ (کهف: ۴۶)

- ﴿أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ...﴾ (تغابن: ۱۵)

این آیات بیان‌کننده این مطلب است که هر چیزی در این دنیا، فتنه (وسیله امتحان) است. فرزند نیز وسیله امتحان الهی است که یک رویش سعادت و روی دیگر آن شقاوت است؛ ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا... عَدُوًّا لَكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ﴾ (تغابن: ۱۴) از این آیه نیز استفاده می‌شود اگر فرزند بد تربیت شد، دشمن دنیا (عذاب دنیوی) و آخرت پدر و مادر است و باید از او دوری جست. در روایات از فرزند صالح با نام ریحانه، ریحانه بهشتی، سعادت مرد، میراث خدا در بنده مؤمن، میوه دل و... یادشده است که همه این تعابیر دلالت بر اهمیت تربیت فرزند می‌کند. (ندایی، همان: ۱۶۸)

۳.۲. جنبه سیاسی

تربیت موجب رشد و تحول و سبب ایجاد رغبت به ترقی است و از طریق آن می‌توان حکومت مردمی ساخت، جامعه را رشد داد، تحولات عظیم جامعه انسانی پدید آورد و استقلال آن را از خطر مصون داشت. اساس پیشرفت یا عقب‌ماندگی یک کشور را تربیت تشکیل می‌دهد و اگر کشوری بخواهد خود را از درگیری‌ها سر پا نگه دارد و در مرز خودکفایی باشد باید از طریق تربیت اقدام کند. (قائمی، ۱۳۸۲: ۱۵)

۴.۲. جنبه اقتصادی

تربیت می‌تواند افراد را کارآمد بسازد، آن‌چنان‌که بتوانند سطح تولید را در جامعه بالا ببرند و کشور را به مرحله خودکفایی برسانند و از طریق آموزش فنون و روش‌های تولید میزان کار را به حداقل و میزان سوددهی را به حداکثر برسانند. سرمایه یک کشور تنها معادن و جنگل‌ها و منابع زیستی یک کشور نیست، بلکه مغزهای تربیت‌یافته‌ای است که در آن کشور زندگی می‌کنند و راه بهره‌برداری از منابع را آموخته‌اند. (همان: ۱۷)

۲.۵. جنبه فرهنگی

اگر فرهنگ را مجموعه‌ای از دانسته‌ها، آموخته‌های علمی، فلسفی، اخلاق، هنری و... بدانیم نقش تربیت در بهره‌مندی از این امور عظیم است. از طریق تربیت می‌توان مجموعه فرهنگی ارزیابی شده را به نسل جدید منتقل کرد و آن‌ها را هم واجد همان آگاهی‌ها و امکانات نمود و همچنین تربیت زمینه را برای بارور کردن درخت فرهنگ و غنای میراث فرهنگی فراهم نمود، یعنی هر آنچه از نسل گذشته دریافت شده به نسل بعدی تحویل داد. (همان)

۲.۶. جنبه اخلاقی و معنوی

تربیت می‌تواند فرد یا افرادی ایده‌آل، نمونه و الگو پروراند و می‌تواند انسانی بسازد دارای فضیلت‌ها و مکارم اخلاقی و یار و وفاداری برای بشریت و دارای کرامت و شرافت و دوستدار حق و شرف و... در واقع تربیت می‌تواند به انسان‌ها بیاموزد که به چه صورت پیوند خود را با خدای خویش محکم کنند و چگونه در برابر او خشوع و خضوع داشته باشند. (همان)

۳. نقش والدین در تربیت فرزندان

والدین بخشی از زندگی فرزندان را تشکیل می‌دهند و همواره به عنوان الگویی برای آنان محسوب می‌شوند. تقلید فرزندان از والدین امری انتخابی نیست، زیرا ماهیت انسان به گونه‌ای است که به طور طبیعی به این سو قدم بر می‌دارد.

پدر و مادر می‌توانند هم اثر مثبت و هم اثر منفی روی فرزندان خود بگذارند و این تأثیر تا حدودی به نوع ارتباط کلامی و گفتاری والدین با فرزندان، بستگی دارد، اما به هر حال، چون ارتباطات تنها به صورت کلامی نیست، پس روابط عاطفی نیز در این عملکرد مؤثر است. می‌توان گفت که تقلید و تعیین هویت کاملاً به طور طبیعی اتفاق می‌افتد بدون اینکه فرزند یا والدین طرح و برنامه‌ای را از پیش برای آن تعیین کنند.

۳.۱. نقش پدر در تربیت نوجوان

سرنوشت پدر و فرزند به هم گره خورده است و نمی‌توان آن را از یکدیگر جدا کرد. در نامه‌ای امیرمؤمنان علیه السلام به امام حسن علیه السلام آمده است: فرزندم! تو جزئی از وجود منی، به طوری که اگر به تو بلایی رسد، به من رسیده است و اگر مرگ تو را در کام گیرد، مرا در کام گرفته است! (نهج البلاغه: ۵۲۱)

قاطعیت از شرایط لازم در تربیت است. منظور در قاطعیت، محکم، جدی و استوار بودن شخص در رأی و تصمیم خویش است. در محیط خانواده به همان اندازه که مهر و صفا لازم و حیاتی است، وجود قاطعیت و جدیت و مدیریت نیز ضروری است. (سادات، ۱۳۷۲، ج ۱: ۴۶)

۳.۲. نقش مادر در تربیت نوجوانان

آدمی در هر مرحله‌ای از رشد و زندگی که باشد نیاز به مربی و معلمی دارد که به او درس بیاموزد، راه و روش زندگی کردن را به او یاد بدهد و طرق سعادت‌مندی را به وی گوشزد نماید. اینکه این مربی که باشد، پیداست نخستین فرد در این زمینه مادر است که با قدرت و نفوذ مادی و معنوی خود شخصیت و فکر و ذوق‌های و استعداد‌های فرزند را می‌سازد و به آن‌ها، درس زندگی و وظیفه می‌آموزد. طبیعی است که آراستگی و فضایل والدین و گاه رذایل و پستی‌ها در فرزندان اثر می‌گذارد و حال و آینده‌اش را به سعادت و یا به تباهی می‌کشاند. مادر نخستین و مهم‌ترین الگوی زندگی فرزندان است. در حدیثی که به نقل از امام ششم از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است و در آن، حضرت سفارش پیاپی نسبت به مقام مادر فرموده‌اند، بیانگر اهمیت نقش مادر و مسئولیت و مقام مادر است. از امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده است که مردی به حضور رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله آمده و عرضه داشت: «ای رسول خدا! به کدامیک از بستگانم نیکی کنم؟ فرمود: به مادر. مرد پرسید: بعد از آن؟ فرمود: به مادر.

برای بار سوم پرسید و باز هم پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: مادرت؛ و در نوبت چهارم حضرت فرمود: به پدرت نیکی کن.^۱ (مجلسی، بی تا، ج ۷۴: ۴۹)

۳.۳. نقش مشترک والدین در تربیت نوجوان

برای همگان واضح است که نسل موجودات جاندار، در عالم طبیعت، از راه تولد و تناسل در روی زمین حفظ می شود. مولودی که ادامه وجود والدین و وسیله استمرار نژاد خویش است، دوره‌ای به نام کودکی دارد که طی آن، آمادگی را پشت سر می گذارد تا بتواند مستقلاً زندگی خود را اداره کند و مسئولیت‌هایی که بر عهده اوست انجام دهد. انسان مانند همه موجودات مادی حرکت طبیعی و جوهری دارد و باید همواره از قوه و استعدادی به فعلیتی درآید و تا آنجا ادامه پیدا کند که انسان به مرتبه عبودیت مطلق و وارستگی کامل برسد که در کنه «عبودیت مطلق» ربوبیت است. (ر.ک: بهشتی، بی تا، ج ۴: ۲۱۰)

والدین برحسب نظام طبیعت، عامل مؤثر به فعلیت رسیدن قوه‌ها و استعدادها در نطفه، جنین و وجود طفل‌اند. نطفه‌ها حاصل کروموزوم‌ها و کروموزوم‌ها حاصل ژن‌ها هستند و ژن‌ها دنیای پیچیده‌ای از استعدادهای ارثی‌اند که طی پیمان مقدس ازدواج و آمیزش دو انسان در مسیر فعلیت قرار می‌گیرند. در این میان نقش مادر به مراتب مهم‌تر از نقش پدر است. او ماه‌ها طفل را در رحم با شیره جانش و بعد از تولد ماه‌ها از مجرای سینه‌اش که کانون عواطف پاک و جایگاه قلب پرمهر اوست پرورش می‌دهد و از آن‌پس نیز همواره هستی‌اش را برای فرزند دل‌بند خود می‌خواهد. در تمام این مدت، هم مادر و هم فرزند تحت سرپرستی پدر زندگی می‌کنند و این پدر است که وظیفه دارد نیازهای مادی آن‌ها را از نظر لباس و خوراک و مسکن فراهم سازد.

پدر و مادر وظیفه دارند که با رعایت قوانین بهداشتی، جسم و محیط زندگی خود را سالم نگاه‌دارند، چه بسا که اگر چنین نشود، فرزند را گرفتار خطراتی

۱. عن ابی عبدالله ۷ قال: جاء رجل الی النبی ۹ فقال: یا رسول الله من ابر؟ قال ۹: امک، قال: ثم من؟ قال ۹: امک، قال: ثم من؟ قال ۹: امک».

خواهند کرد که به هیچ وجه قابل اغماض نیست و نه تنها غم و اندوه و افسردگی به بار می‌آورد، بلکه مجازات و مؤاخذه الهی نیز دامن‌گیر آن‌ها می‌شود. آن‌ها با آمیزش خود و تلاش برای رعایت جنبه‌های بهداشتی، زمینه‌ساز به فعلیت رسیدن قوه‌ها و استعدادهای گوناگونی هستند که در وجود فرزند نهفته است و تمامی کردار و رفتار و خلق و خوی والدین تحت‌الشعاع آن قرار می‌گیرد. اینجاست که انسان متوجه می‌شود پدر و مادر شدن، تنها جنبه فیزیکی ندارد، بلکه فرزند وارث جنبه‌های دیگر نیز هست و این‌ها است که وظایف والدین را هر چه بیشتر سنگین و دشوار می‌سازد.

خداوند می‌فرماید: «وَلْيَخْشِ الَّذِينَ لَوْ تَرَكَوْا مِنْ خَلْفِهِمْ ذُرِّيَّهُ ضِعَافًا خَافُوا عَلَيْهِمْ فَلْيَتَّقُوا اللَّهَ وَ لْيَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا» (نساء: ۹) در این سخن الهی، تکیه بر یک اصل مسلم شده و آن اینکه انسان بر فرزندان ضعیف خود بیمناک است و به همین جهت است که می‌خواهد کاری کند که اسباب پریشانی و گرفتاری و بدبختی آن‌ها فراهم نیاید. بنابراین نتیجه می‌گیریم اخلاق و رفتار انسان، تنها متوجه خود او نمی‌شود، بلکه به ذریه او نیز می‌رسد همان‌طور که ما خانواده را وحدت جسم و روح‌ها و افکار و عقاید می‌دانیم و فرزند را امتداد وجود والدین و میوه آن درخت وحدت یافته شناختیم، چگونه ممکن است آفتی که به ریشه اصابت کرده است میوه آن را نخورد. چقدر در اشتباه‌اند پدران و مادرانی که فکر نمی‌کنند نتیجه تهمت‌ها و غیبت‌ها و... روزی دامن‌گیر جگرگوشه‌های آن‌ها را خواهد گرفت و چقدر ظاهر بینند والدینی که به‌ظاهر فرزندان خویش بها می‌دهند ولی از باطن آن‌ها غافل‌اند.

۴.۳. هماهنگی بین والدین

الگوی مطلوب برای خانواده این است که هر یک از زن و مرد نقش خاص خود را بازی کنند و در کنار هم و مکمل یکدیگر باشند. خانواده نه عرصه مبارزه

۱. آن‌هایی که فرزندان ضعیفی از خود به‌جای می‌گذارند، بر آن‌ها بیمناک‌اند، باید بترسند و در برابر خدا تقوایبشه کنند و سخن صواب بگویند.

و نه میدان رقابت است، بلکه کانون همکاری و هماهنگی است. یکی از تدابیر مهم در تربیت فرزندان این است که هر یک از پدر و مادر بکوشد موقعیت دیگری را نزد فرزندان تقویت کنند و حس احترام و علاقه آن‌ها نسبت به او تحریک نماید. گاه دیده می‌شود که پدر و مادر در مسائل جزئی مشاجره لفظی می‌کنند یا در ارتباط با بچه‌ها تعارض و ناهماهنگی خود در حضور فرزندان بروز می‌دهند. این قبیل برخوردها آثاری نابجا در تربیت فرزندان دارد و الگوی نامناسبی را در اختیار آن‌ها قرار می‌دهد.

نکته دیگری را که می‌توان مطرح کرد این است که اگر زنی در خانه وظایف اخلاقی خود را عمل می‌کند و آسایش اعضای خانواده را فراهم می‌سازد وظایف دیگر اعضای خانواده چیست؟ قرآن کریم می‌فرماید: ﴿هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ﴾ (الرحمن: ۶۰) این واژه دارای دو معنی و کاربرد است؛ ۱. نیکی و خیر رساننده به دیگران، ۲. انجام دهنده اعمال و رفتارهای صالح و نیک. به‌طور کلی این واژه در این معنی و کاربرد خود بیشتر به کسانی اطلاق شده که از ایمانی راسخ و ثبات قدم در راه ایمان و انجام تکالیف الهی برخوردار بوده‌اند.

مرد باید با پاس داشتن زحمات و فداکاری‌های زن، حافظ ارزش‌های انسانی در محیط خانه باشد، زیرا اوست که با اظهار قدردانی و احترام و مهربانی خود باید فرزندان را با ارزش زحمات مادر آگاه گرداند و حس فروتنی در برابر مادر را در آن‌ها زنده سازد تا آن‌ها از هرگونه ناسپاسی و گستاخی نسبت به او به شدت پرهیزد. پدران شایسته این نکته را پیوسته در نظر دارند که نباید با گفتار و رفتار خود موجبات تحقیر مادر را در نظر فرزندان فراهم سازند، چه بسا که باعث می‌شود روح قدردانی و قدرشناسی در فرزندان از بین رود در تربیت آن‌ها آثار نامطلوب برجای می‌گذارد. فرزندان باید از همان ابتدا با ارزش‌های انسانی در محیط خانواده آشنا شوند.

از آنچه گفته شد می‌توان نتیجه گرفت که محیط خانواده محیط مقدسی است که هر یک از پدر و مادر به جای آنکه بر انتظارات خود از طرف مقابل بیفزاید،

باید سعی در اصلاح عیوب خود و دیگری کند و باگذشت و بزرگواری از خطاها و اشتباهات طرف مقابل درگذرند و با شیوه‌ای صحیح سعی در اصلاح آن نمایند تا بتوانند در این راستا فرزندانی صالح و نیکی را تربیت نمایند و فرزندان قدردان زحمات والدین خویش باشند.

۴. شیوه‌های برخورد والدین با نوجوانان

نوجوانی یک مرحله حساس برای هر فرد است چرا که همزمان با سن بلوغ و دوران هویت‌یابی در نوجوان است. والدین باید رفتار صحیح با نوجوان را بدانند و از اشتباهات رایجی مانند ایجاد محدودیت‌ها، نظارت مستقیم و تحقیر دوستان نوجوان خود پرهیز کنند، چرا که یک رفتار اشتباه از سوی والدین می‌تواند باعث ایجاد اختلالات مختلفی شود که نوجوان را به خطر بیندازد. همچنین با کمک گرفتن از روانشناسان، افزایش اطلاعات درباره دوران نوجوانی و آگاهی از تأثیرات رابطه صمیمی، انگیزه استقلال‌طلبی به فرزند، به بهبود روابط میان خود و فرزندتان کمک بگیرد.

۴.۱. رابطه صمیمی

وجود یک نسل فاصله میان والدین و فرزندان امری انکارناپذیر است. سرعت تحولات اجتماعی و فرهنگی در جهان، تفاوت بین دو نسل را بسیار عمیق و چشمگیر می‌سازد و برای جبران این مسئله لازم است بکوشیم شرایطی را که فرزند ما در آن قرار دارد، به درستی درک کنیم و آن را با شرایطی که روزگاری خود در آن زندگی می‌کردیم مقایسه نکنیم.

برقراری پیوند روحی و عاطفی عمیق بین فرزندان از اهمیتی خاص برخوردار است. این پیوند سبب می‌شود که بسیاری از نیازهای روحی فرزندان در محیط خانواده برآورده شود و از این بابت دچار کمبود نشوند. یکی از مهم‌ترین نکات در شکل‌گیری رابطه‌ای صمیمی با فرزندان این است که همیشه از موضع پدران به آن‌ها سخن نگوییم و همیشه آمرانه با آن‌ها برخورد نداشته باشیم؛ سعی کنید در کنار موضع یک پدر یا مادر در برخی اوقات با وی نرم‌تر و صمیمی‌تر برخورد

کنید. اگر با موضوعی موافق نیستید او را به جای نهی کردن راهنمایی کنید و همیشه این اصل را به جای دستور دادن و امر و نهی کردن انتخاب کنید و در اولویت قرار دهید. (ر.ک: <https://namnak.com>)

۲.۴. انگیزه استقلال طلبی

محوری‌ترین انگیزش در دوران نوجوانی کوشش برای به دست آوردن استقلال است. این نیروی فطری، قوی‌ترین و ریشه‌دارترین گرایشی است که در همه نوجوانان به وجود می‌آید اگر چنین انگیزه‌ای در نوجوان بیدار نمی‌شد او نمی‌توانست به رشد و کمال برسد و همواره به صورت کودکی وابسته باقی می‌ماند و استعدادهایش شکوفا نمی‌شدند. شیوه‌های زیادی وجود دارد که فقط عناوین آن‌ها را یادآور می‌شویم:

- احترام به آزادی فرزندان؛

- عدم زیاده‌روی در انتقاد؛

- تکریم شخصیت نوجوان؛

- محبت کردن؛

- رفتاری توأم با عدالت؛

- پرورش حس اعتماد به نفس و... بنابراین همواره باید در نظر داشت کسی که قصد تربیت او را داریم موجودی بسیار حساس است که دارای خواسته‌ها و ویژگی‌هایی روحی و روانی بسیار و تنوع و پیچیده است که باید در برخورد با او همه جوانب را در نظر گرفت و انتظار نداشته باشیم که به طور دقیق همان باشد که می‌خواهیم. (ر.ک: بهشتی، بی‌تا، ج ۴: ۶۲)

۵. الگوهای عملی تربیت

یکی از تأثیرگذارترین روش‌های تربیتی، روش الگویی تربیتی است. در این روش به جای اینکه همه چیز را از راه حرف زدن و توصیه کردن به فرزندان خودمان آموزش دهیم که به روش مستقیم معروف است، سعی و تلاش می‌شود

که با رفتار خود و به صورت عملی، اما غیر مستقیم، فرزندان خود را تربیت کرد. در اینجا به طور مختصر به هر دو روش اشاره ای شده است.

۵. ۱. از نظر اقتصاد

رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خطاب به علی عَلِيٌّ فرمودند: «ای علی، حق فرزند به پدرش این است که نام نیکو برای وی انتخاب کند و در تربیت صحیح او بکوشد و او را به کار شایسته‌ای بگمارد». (عاملی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۵: ۱۲۳)

این فرمایش به نحوی تذکر و یادآوری مسئولیت پدری است که از همان آغاز ولادت که نام کودک را به گوش او می‌خوانند و در طول دوره کودکی و نوجوانی که به تربیت او همت می‌گمارد، به فکر آینده اقتصادی او نیز می‌باشد و از آن غفلت نمی‌کند، او را باکار آشنا کند و روحیه مسئولیت‌پذیری را در وی شکوفا کند و او را در برابر دشواری‌ها و مشکلات احتمالی زندگی، آماده کنند.

اسلام در مورد مال و ثروت و چگونگی استفاده از آن و به جریان انداختن آن در صورتی تأکید دارد که توجه به آن موجب رشد و شکوفایی زندگی و آسایش و آرامش آن می‌گردد. قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا﴾^۲. (نساء: ۷)

با توجه به آیه شریفه فوق، اگر سپردن و قرار دادن اموال به دست نادانان جایز نباشد، یقیناً مفهوم موافق آن، این است که هرکس بخواهد عهده‌دار تصرف در اموال خود یا دیگران باشد، لازم است شایستگی‌های مورد نیاز را کسب کند و این مهم از کوچک‌ترین واحد اجتماعی یعنی خانواده شروع می‌شود و تا گسترده‌ترین عرصه فعالیت اقتصادی، اجتماعی تعمیم می‌یابد و والدین باید این چیزها را به جوانان خود گوشزد نمایند. همچنین:

– سپاسگزاری در برابر نعمت‌ها؛ ﴿وَاشْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ﴾. (نحل: ۱۱۴)

۱. «یا علیّ حقّ الولد ان یحسین اسمهُ و اذبه و یضعهُ موضعاً صالحاً»

۲. اموال خود را که خداوند وسیله قوام (زندگی) شما قرار داده، به سفیهان مسپارید».

- اجتناب از اسراف؛ ﴿كُلُوا و اشْرَبُوا و لا تُسْرِفُوا...﴾. (اعراف: ۳۱)

- عدم سرکشی و طغیان؛ ﴿كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ و لا تَطْغَوْا فِيهِ، فَيَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبِي...﴾. (طه: ۸۱)

- به باطل بهره‌مند نشدن از نعمت‌ها؛ ﴿و لا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ و...﴾. (بقره: ۱۸۲)

از دیگر توصیه‌های قرآن در این زمینه به شمار می‌روند.

۲.۵. از نظر دینی و اخلاقی

تحقیقات علمی نشان می‌دهد که نوجوانان با پشت سر نهادن دوران کودکی و هر آنچه از خانواده آموخته‌اند، دستخوش شک و تردید می‌شوند. آن‌ها با دست یافتن به رشد فکری، قدرت تفکر در مسائل و موضوعات اساسی زندگی خود را پیدا می‌کند و برای رسیدن به یک نظام فکری و عقیدتی که بتواند پاسخگوی نیاز فکری و عاطفی آن‌ها باشد تلاش کنند؛ از سوی دیگران دوران بلوغ همزمان است با بیدار شدن سایر گزینه‌ها وجدان دینی و اخلاقی که او را به تفکر درباره معنویت و حقایق دینی وای می‌دارد. به همین علت، یکی از نیازهای اصلی نوجوان در این سنین، نیازها و انگیزه‌های دینی و الهی آن‌ها است، از این رو از نظر دانشمندان دوره نوجوانی دوره شکل‌گیری اعتقادات است، به نحوی که بتواند در پرتو آن به «فلسفه زندگی» روشنی دست یابد. (سادات، ۱۳۷۲، ج ۱: ۱۲۴)

۳.۵. آموزش قرآن

قرآن کریم آخرین کتاب آسمانی است که تمام قوانین هدایت و سعادت انسان‌ها را در بردارد. ائمه طاهرین علیهم‌السلام نیز فرزندان خود را با قرائت، حفظ و آموزش قرآن و عمل به آن تشویق و توصیه می‌کردند و آموزش قرآن را یکی از حقوق مسلم فرزند برگردان والدین می‌دانستند؛ بدین معنا که یا خودشان قرآن را به آنان بیاموزند یا برای آنان معلم بگیرند.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرزندش، امام حسن علیه السلام را این گونه به قرآن سفارش کرد: «خدا را خدا را درباره قرآن، مبدا دیگران در فهم قرآن بر شما پیشی بگیرند»^۱. (حرانی، ۱۴۰۴ق: ۱۹۲)

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «حق فرزند بر پدر آن است که به او قرآن بیاموزد»^۲. (هندی، بی تا، ج ۱۶: ۴۱۷)

در روایت دیگری، امام صادق علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده است: «حق فرزند بر پدر، در صورتی که پسر باشد، آن است که مادرش را مسرور گرداند و نام او را نیکو قرار دهد و کتاب خدا را به او بیاموزد و او را پاکیزه نگاه دارد و شنا کردن را به او تعلیم دهد؛ و اگر دختر باشد، این است که مادرش را خشنود گرداند و نامش را نیکو نهد، و سوره نور را به او تعلیم دهد»^۳. (کلینی، ۱۳۷۲، ج ۶: ۴۸)

۵.۴. روش غیر مستقیم

روش غیر مستقیم اثر فوق العاده‌ای در تأثیر برنامه‌های تربیتی برای فرزندان دارد، زیرا انسان معمولاً به افکار و برداشتهای خود از مسائل مختلف بیش از هر چیز اهمیت می‌دهد. هنگامی که مسئله به صورت سؤال مطرح شود و پاسخ را از درون وجدان و قلب خود بشنود آن را فکر و تشخیص خود می‌داند و به‌عنوان «یک فکر و طرح آشنا» به آن می‌نگرد و در مقابل آن مقاومت به خرج نمی‌دهد، این طرز تعلیم در مورد فرزندان بسیار مؤثر است. در قرآن نیز از این روش استفاده شده است. (مکارم، بی تا، ج ۳: ۱۵۶) مانند «هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ»^۴. (زمر: ۹)

۱. «اللَّهُ فِي الْقُرْآنِ فَلَا يَسْبِقُنْكُمْ إِلَى الْعَمَلِ بِهِ غَيْرُكُمْ».

۲. «حَقُّ الْوَالِدِ عَلَى وَالِدِهِ أَنْ يُحَسِّنَ إِسْمَهُ... وَ يُعَلِّمَهُ الْكِتَابَ».

۳. «حَقُّ الْوَالِدِ عَلَى وَالِدِهِ إِذَا كَانَ ذَكَرًا أَنْ يَسْتَفِرَّهُ أُمَّهُ، وَ يَسْتَحْسِنَ اسْمَهُ، وَ يَعْلَمَهُ كِتَابَ اللَّهِ وَ يَطْهَرَهُ، وَ يَعْلَمَهُ السَّبَاحَةَ، وَ أَنْ كَانَتْ أُنْثَى أَنْ يَسْتَفِرَّهُ أُمُّهَا، وَ يَسْتَحْسِنَ اسْمَهَا، وَ يَعْلَمَهَا سُورَةَ النُّورِ».

۴. «أَيَا دَانِيَايَا بَا نَادِيَايَا مَسَاوِينِدَا»

یکی دیگر از روش‌های تربیتی، «موعظه» است. هنگام وعظ، سخن گفتن به گونه‌ای به شنونده القاء می‌شود که در قلب او نفوذ کند و حالت رقت و صفا و نورانیتی در آن به وجود می‌آورد. موعظه، فطرت انسان را بیدار می‌کند و در دل می‌نشیند و از دلیل و برهان و امر و نهی بیشتر تأثیر دارد. پند و نصیحت یک نیاز طبیعی است و هیچ‌کس نیست که از موعظه بی‌نیاز باشد. اسلام نیز موعظه را یک امر مفید و مؤثر می‌داند. قرآن کریم می‌فرماید: ﴿هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَ مَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ﴾^۱ (آل عمران: ۱۳۸) در ارزش و اهمیت آن، احادیث فراوانی داریم. از جمله اینکه امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «موعظه‌ها نفوس انسان‌ها را صاف و نورانی می‌کند»^۲ (تمیمی آمدی، بی تا: ۳۳۵)

علاوه بر این روش‌های تربیتی، روش‌های دیگری نیز مطرح شده است، از جمله تشویق، تنبیه، بیان مصالح و مفاسد، احترام و تکریم، محبت، دوستان و... که در بخش‌های دیگری به آن اشاره شده است و توضیحاتی پیرامون آن بیان گردیده است که در این قسمت از آن صرف نظر کرده و به روش‌های مستقیم اشاره می‌کنیم.

۵.۵. روش مستقیم

۵.۵.۱. از بین بردن زمینه عاق والدین

عاق به فرزندی گفته می‌شود که از فرمان پدر و مادر سرپیچی کند و نسبت به آن نامهربانی و بدرفتاری نماید. عاق والدین یکی از گناهان کبیره است و اگر فرد موجبات رضایت والدین را فراهم ننماید در روز قیامت سرنوشت بدی خواهد داشت. همان‌طور که عاق والدین مطرح است، برعکس آن نیز مطرح شده است. از این رو شایسته است که والدین به مسئولیت‌های خاص خویش آگاه باشند و احترام متقابلی بین خود و فرزندان ایجاد نمایند.

۱. «این بیانی است برای عموم مردم؛ و هدایت و موعظه برای پرهیزکاران».

۲. «المَوَاعِظُ مُتَعَالُ النَّفُوسِ وَ جَلَاءُ الْقُلُوبِ».

یکی از موارد زمینه‌ساز عاق والدین افراط در محبت و نرمش والدین است که در نتیجه آن حریم بین فرزند و والدین شکسته می‌شود و والدین به دست خود اسباب بی‌احترامی خویش را فراهم می‌سازند. امام حسن عسگری علیه السلام می‌فرماید: «جرئت و جسارت فرزند بر پدر در کودکی، او را در بزرگی به عاق والدین و نافرمانی آن‌ها وادار خواهد کرد».^۱ (حرانی، ۱۴۰۴ق: ۵۲۰)

۵.۲. پرهیز از غذای حرام

از مواردی که در از بین بردن زمینه فساد و انحراف فرزندان نقش اساسی دارد، دورنگه داشتن فرزندان از خوردن مال حرام است. گاهی اصل چیزی مثل شراب حرام است، از این‌رو خوراندنش به فرزندان نیز حرام است. در روایتی آمده است به امام صادق علیه السلام عرض کردم: چون نوزاد به دنیا می‌آید به او شراب می‌خورانند؟! حضرت فرمود: چنین نکنید؛ هرکس به نوزادی چیز مست‌کننده بدهد، خداوند از آب جوشان (جهنم) به او می‌خوراند، گر چه مورد آمرزش و عفو هم قرارگیری.^۲ (عاملی، ۱۴۱ق، ج ۱۷: ۲۴۷)

گاهی هم خود آن چیز ذاتاً حرام نیست، ولی به دلایلی خوردنش حرام می‌باشد. سکونی از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود: «اگر کسی از شما (به تنهایی) به غذایی دعوت شد، هیچ‌گاه فرزند خود را همراه نبرد و اگر چنین کند هم حرام‌خواری کرده و هم اینکه به حال گناه و عصیان به خانه میزبان داخل شده است».^۳ (همان، ج ۱۶: ۴۹۳) چه بسا که این کار موجب به خطر افتادن آبروی میزبان خواهد شد.

۱. «جُرْأَةُ الْوَالِدِ عَلَى وَالِدِهِ فِي صِغَرِهِ تَدْعُو إِلَى الْعُقُوقِ فِي كِبَرِهِ»

۲. «قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ: الْمَوْلُودُ يُؤَلَّدُ فَنَسَقُهُ الْخَمْرَ؟ فَقَالَ لَهُمْ: لَا مَنْ تَسْقَى مَوْلُوداً مُسَكِراً سَقَاهُ اللَّهُ مِنَ الْحَمِيمِ وَإِنْ غَفَرَ لَهُ».

۳. «إِذَا دُعِيَ أَحَدُكُمْ إِلَى الطَّعَامِ فَلَا يَتَّبِعَنَّ وَكُدَّهُ؛ فَإِنَّهُ إِنْ فَعَلَ أَكَلَ حَرًّا، أَمَا وَدَخَلَ عَاصِباً».

۵.۵.۳. واکسینه کردن فرزندان

بسیاری از توصیه‌های تربیتی و اخلاقی نیز جنبه پیشگیری دارد و همچون واکسن عمل می‌کند تا فکر و مغز کودک را از دوران کودکی در برابر انواع انحرافات و مفسد بیمه کند. چه‌بسا اگر این تعلیمات به صورت مطلوب و اثربخش منتقل گردد، از همان کودکی نقش مهمی در جلوگیری از کجروی ما و انحرافات اخلاقی و عقیدتی آنان ایفا خواهد کرد و ضامن سلامت روانی و فکری فرزندان خواهد بود.

۵.۵.۴. مسلح کردن فرزندان در برابر افکار انحرافی

یکی دیگر از سفارش‌های مهم اهل بیت علیهم‌السلام تسریع در امر آموزش احادیث و علوم اهل بیت علیهم‌السلام به فرزندان است تا در سنین جوانی، آمادگی لازم برای رویارویی و مقابله با افکار انحرافی و الحادی را داشته باشند و با درک درست و روشن و عمیقی که از معارف اسلامی پیدا می‌کنند هرگز تحت تأثیر این‌گونه اندیشه‌ها قرار نگیرند.

امام صادق علیه‌السلام فرمود: «روایات اسلامی را به نوجوانان خود بیاموزید و در انجام آن تسریع نمایید پیش از آنکه دشمنان گمراه بر شما پیشی بگیرند و افکار نادرست را در ضمیر پاک آنان جای دهند و گمراهشان سازند.» (همان: ۴۹۳)

توجه به اینکه یکی از نیازهای فرزندانمان دوستی و دوستان است و والدین می‌توانند در این باره نقش مؤثری داشته باشند هوشیاری و دقت والدین در امور فرزندان و افرادی را که با فرزندان آن‌ها تماس دارند، می‌طلبد و اینکه برخوردهای مشفقانه و خردمندانه‌ای در این باره با فرزندانمان داشته باشند و آنان را هدایت کنند که چگونه دوستانی پاک و متعهد انتخاب کنند.

۱. «بَادِرُوا أَوْلَادَكُمْ بِالْحَدِيثِ قَبْلَ أَنْ تَسْفِكُمْ إِلَيْهِمُ الْمُرْجَةَ».

لقمان حکیم به فرزندش چنین می‌فرماید: «فرزندم! بنده خوب باش؛ نه فرزند اشرار». (مجلسی، بی‌تا، ج ۱۳: ۴۱۶)

به والدین به پرهیز از دوستی با افراد ناصالح هشدار داده است و دوستی‌های ممنوع را بیان می‌کند. مثل معاشرت نداشتن با افراد دروغگو، فاسق، احمق، قاطع رحم، فاجر، بدزبان، جاهل، فرومایگان و اشرار که در روایات فراوانی در این زمینه بیان شده است از جمله اینکه امیرالمؤمنین علیه السلام به فرزندش، امام حسن علیه السلام می‌فرماید: «همنشینی با جاهل، نحس و بی‌برکت است». ^۲ (همان، ج ۷۴: ۲۰۸)

امام جواد علیه السلام فرمود: «مبادا با شخص بدکار و تبهکار دوستی و رابطه برقرار کنی؛ زیرا او همانند شمشیر آخته است که جلوه زیبایی دارد ولی اثرش زشت و نازیباست». ^۳ (همان: ۱۹۸)

نتیجه‌گیری

مناسب‌ترین اوقات برای تربیت، روزگار کودکی و نوجوانی است. صفحه ذهن و روح بی‌آلایش کودک و نوجوان مانند فیلم عکاسی است که در معرض تابش نور قرار نگرفته و برای پذیرش هر نقشی، آماده است. اگر به طور صحیح تحت تربیت قرار گیرد و افکار و عقاید صحیح با دلیل و برهان بر آنان عرضه شود در روح حساس آنان نقش می‌بندد و جزء ذاتشان می‌شود. چنین افرادی وقتی با کسی معاشرت نمایند، منحرف و گمراه نمی‌شوند و اگر در اجتماع ناصالحی واقع شوند به رنگ جماعت در نمی‌آیند، بلکه کوشش می‌کنند تا اجتماع را به رنگ خودشان درآورند.

متأسفانه این طبقه بزرگ اجتماع است که از تربیت صحیح دینی محروم‌اند و چنان که باید مورد توجه واقع نشده‌اند و عقاید دینی خودشان را بدون دلیل و برهان و بدون برنامه از والدین به دست می‌آورند و به همین جهت ایمان و

۱. «يَا بُنَيُّ كُنْ عَبْدَ الْأَخْيَارِ وَلَا تَكُنْ وَكَلْدًا لِأَشْرَارِ».

۲. «صُحْبَةُ الْجَاهِلِ سُومٌ».

۳. «إِنَّاكَ وَ مُصَاحِبَةُ الشَّرِيرِ فَإِنَّهُ كَالسَّيْفِ الْمَسْلُوقِ يُحْسِنُ مَنظَرَهُ وَ يُفْسِدُ آثَرَهُ».

عقیده آنان بر پایه محکمی پی‌ریزی نشده است. حال آنکه برخی از موضوعات پوچ و بی‌اساس را از حقایق مسلم دین پنداشته و با همین افکار وارد محیط‌های مختلف شده و با افراد و عقاید مختلف سروکار پیدا می‌کنند و چون اساس ایمانشان محکم نیست با اندک شبهه و اشکالی متحیر می‌شوند و از جهت علم و دانش به حدی نرسیده‌اند که بتوانند بین حق و باطل تمیز دهند، لذا در حیرت و بلا تکلیفی باقی می‌مانند. نتیجه این سهل‌انگاری و تربیت نادرست به‌وضوح مشاهده می‌شود و حال آنکه کسی نیست این افراد بی‌گناه را از وادی انحراف و سقوط نجات دهد. بنابراین در مقابل خطر بزرگی که نسل آینده را بی‌دینی و ضعف عقیده تهدید می‌کند همه مسئول‌اند و اگر به وظیفه خود در قبال آنان عمل نکنیم نسل آینده ما را نفرین می‌کند و مورد بازخواست قرار می‌دهند.

منابع و مأخذ:

- قرآن مجید (ترجمه ناصر مکارم شیرازی)
- نهج البلاغه (ترجمه محمد دشتی)
- ابن ابی الحدید (بی‌تا)، شرح نهج البلاغه، قم: مکتبه العلمیه.
 - راغب اصفهانی، حسین (۱۳۶۳)، المفردات فی غریب القرآن، ترجمه غلام‌رضا خسروی حسینی، تهران: کتاب فروشی مرتضوی.
 - ابن شعبه حرانی، علی بن حسین (۱۴۰۴ق)، تحف العقول عن اخبار آل الرسول ﷺ، ترجمه علی اکبر غفاری، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم: نشر اسلامی.
 - امیری، علی (۱۳۸۱)، کودک و خانواده نابسامان، امان، تهران: انتشارات انجمن اولیاء و مربیان.
 - امینی، ابراهیم (۱۳۷۹)، اسلام و تعلیم و تربیت، چ ۵، تهران: سازمان انجمن اولیاء و مربیان.

- تمیمی آمدی، عبد الواحد (بی تا)، غرر الحکم و درر الکلم، ترجمه محمد علی انصاری قمی، [بی جا]: مظفر نگر.
- حر عاملی، محمد حسن (۱۴۱۲-۱۴۰۹)، وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث.
- سادات، محمد علی (۱۳۷۲)، راهنمای پدران و مادران، ج ۴، تهران: دفتر نشر و فرهنگ اسلامی.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۶۷)، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات وابسته به مدرسین حوزه علمیه قم.
- قائمی، علی (۱۳۸۲)، خانواده و دشواری های رفتاری کودکان، ج ۹، تهران: سازمان انجمن اولیاء و مربیان.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۷۲)، الکافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
- مجلسی، محمد باقر (بی تا)، بحار الانوار، بیروت: مؤسسه وفا.
- مکارم شیرازی، ناصر (بی تا)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- معین، محمد (۱۳۸۱)، فرهنگ فارسی، تهران: فردوس.
- محدیان، بهرام (۱۳۸۴)، نگاهی دیگر به حقوق فرزندان از دیدگاه اسلام، ج ۲، تهران: انتشارات انجمن اولیاء و مربیان.
- مظاهری، حسین (۱۳۷۸)، تربیت فرزند از نظر اسلام، ج ۲، قم: امّ ابیها.
- هندی، علاء الدین علی المتقی بن حسام الدین (بی تا)، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، ترجمه شیخ کربی حیانی، بیروت، مؤسسه الرساله.

